

تاریخ علم، دوره ۱۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۵-۱۱۴

گزارشی از نسخه‌ای در رد نظریات مادی گرایانه داروین متعلق به دوره قاجاریه (۱۳۳۰ ق)

محمد معصومی
پژوهشگر غیروابسته

dmrm92@gmail.com

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۳، پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴)

چکیده

نخستین رساله‌ای که در نقد نظریه داروین، به فارسی نوشته و در سال ۱۲۹۸ ق منتشر شد، نیچریه سید جمال‌الدین اسدآبادی است. رساله‌ای دیگر نیز در سال ۱۲۹۹ ق با عنوان آیات بینات به قلم آیت‌الله محمدحسین شهرستانی به فارسی نوشته شده است. سپس کتاب مفصل آیت‌الله محمدرضا نجفی اصفهانی، که در سال ۱۳۳۱ ق و با عنوان نقد فلسفه دارون منتشر شده است، ظاهراً سومین اثر مطالعه شده در بررسی نظریه داروین است. مرآت العقل اثری در علم به فارسی است که در سال ۱۳۳۰ ق به قلم آیت‌الله محمد علی سنقری حائری (۱۲۹۳-۱۳۷۸ ق) از علمای برجسته کربلا نوشته شده است. وی در جلد اول که شامل یک دیباچه و سه مقاله است، به اشکالات و تناقضات «مادیین» (ماده‌گرایان) می‌پردازد و با روش فلسفی-کلامی آنها را نقد می‌کند و سپس در مقاله سوم زیر عنوان «ابطال نوامیس اربع» به چهار محور اصلی نظریه داروین اشاره می‌کند و به زعم خود فساد هر یک را برمی‌شمارد. ادعا این است که با وجود این کتاب که به فارسی و در ۱۳۳۰ ق نوشته شده است، می‌توان فصل نوینی را در مطالعات تاریخ علم دوران قاجار گشود.

کلیدواژه‌ها: داروین، مرآت العقل، محمد علی سنقری حائری.

روستگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

آشنایی جهان اندیشه فارسی‌زبانان با نظریات جدید و از جمله نظریه تکامل داروین با فراز و فرودها و اما و اگرهای تاریخی فراوانی روبه‌رو بوده است. آنچه بر سر آن توافقی اجمالی وجود دارد، این است که طبق اسناد راه‌های ورود اندیشه‌های تکاملی به ایران به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: راه‌های باواسطه و راه‌های بی‌واسطه. در شکل اول از سه جهت شمال، شرق و غرب با استفاده از کتاب‌ها و آثار و مجلات منتشر شده در کشورهای ترک‌زبان امپراتوری عثمانی (از سوی شمال)، هند و شبه قاره (از جانب شرق)، و کشورهای عرب‌زبان امپراتوری عثمانی (از طرف غرب) اشاره‌هایی از نظریات جدید به فضای فکری ایرانیان راه یافت.

از طرف دیگر، با گسیل داشتن دانشجویان ایرانی در دوران قاجار به کشورهای اروپایی (انگلیس و بعد فرانسه) و آشنایی آنان با منابع اروپایی و کتاب‌های درسی و همچنین با تأسیس مدارس جدید تبشیری در ایران و تدریس کتاب‌های فرانسه و انگلیسی زبان در آنجا، بی‌واسطه با اندیشه‌های جدید در علم و فلسفه و ادبیات آشنا شده‌ایم.^۱

سیر کتاب‌نگاری در مواجهه با اندیشه‌های تکاملی و دقت در محتوای آنها نشان می‌دهد آنچه به عنوان نظریات داروین در ایران شناخته شده، بیشتر ناشی از تفسیرهای خاص ماده‌گرایانه و مارکسیستی اعراب و ترک‌ها از آن بوده است. اندیشه‌های داروین در جهان عرب در پوشش آراء مادی‌گرایانه بوخنر یا بوشنریا بوکنر^۲ با آثار شبلی شمیل مطرح شد و همه تقابل‌های بعدی با این نظریه از سال ۱۸۸۴م با انتشار کتاب شمیل در مصر آغاز شد. بنا بر این خط سیر این نحو مواجهه تا حد زیادی به جهان فکری ایرانیان نیز از راه ترجمه وارد شد. از سوی دیگر نگاه‌های مارکسیستی و برداشت‌های

۱. مقالات و کتاب‌های بسیاری در این باره نوشته شده است که می‌توان به آنها مراجعه کرد. از جمله مقاله عالمانه استاد محمد تقی دانش پژوه با عنوان «آشنایی ما با فلسفه و دانش نوین باختری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، پاییز ۱۳۶۲ش، سال بیست و پنجم، شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۴، ص ۲۶۵-۲۹۲. همچنین کتاب دکتر محبوبی اردکانی با عنوان تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران که در سال ۱۳۵۴ش، در سه جلد، در دانشگاه تهران منتشر شده است. آثار دکتر هما ناطق نیز در این موضوع بسیار قابل اعتنا هستند؛ از میان آنها کتاب‌های کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران و ایران در راهبایی فرهنگی ۱۸۴۸-۱۸۳۴ حائز اهمیت‌اند.

2. Ludwig Buchner (1824-1899)

خاص ترکان عثمانی و روشنفکران قفقاز نیز به فهم ماده‌انگار از نظریات داروین کمک کرد.^۱ در این بخش فهرستی اجمالی از کتاب‌ها و آثاری را که به شکل مکتوب در زبان فارسی از دوران قاجاریه تا اواخر دوران پهلوی اول، در باره نظریه تکامل بر جا مانده، به دست می‌دهم. بدیهی است که هر کدام از آثار نام برده شده می‌تواند موضوع مقاله‌ای مستقل باشد و آنچه خواهد آمد صرفاً اشاره‌هایی کوتاه و سیری گذرا است. این تاریخچه را برای روشن‌تر شدن مختصات نسخه نویافته می‌آورم تا جایگاه تاریخی آن را بهتر بشناسیم.^۲

گزارشی از آثار شناخته‌شده درباره نظریه تکامل از دوران قاجار تا اواخر پهلوی اول باری، نخستین مواجهه و ردیه‌ای که به زبان فارسی در برابر نظریه داروین تاکنون در تاریخ ثبت شده رساله کوتاه حقیقت مذهب نیچری و بیان حال نیچریان از سید جمال الدین اسدآبادی/افغانی است که در پاسخ به درخواست یکی از معلمان حیدرآباد دکن هند، در محرم ۱۲۹۸ ق/۱۸۸۱ م نوشته و ابتدا در همان جا و بعد در بمبئی منتشر شد، و سپس در رجب ۱۲۹۸ ق درنمره ۱۰۱ سال سیّم روزنامه فرهنگ چاپ اصفهان (برای آشنایی بیشتر نک: رجایی، سراسر مقاله) به سردبیری و مدیریت میرزا محمد تقی خان انصاری کاشانی صاحب جانورنامه، به شکل پاورقی و در ۴۷ شماره چاپ شد.^۳ در واقع می‌توان گفت نخستین آشنایی مکتوب با اندیشه‌های اسدآبادی در ایران با این سلسله مقالات بوده است. وی در آن رساله به زعم خود در باره دهریون یا مادی‌گرایان سخن

۱. ترکان عثمانی و متفکران قفقاز روسیه بیشتر متأثر از تفسیرهای خاص جریان‌های مارکسیستی و سوسیالیستی از نظریه داروین بوده‌اند.

۲. در ده سال گذشته کوشیده‌ام همه آثار فارسی بر جا مانده را برای تهیه کتاب‌شناسی مفصل موضوعات مربوط به تکامل در ایران گرد آورم. این کتاب‌شناسی به زودی منتشر می‌شود.

۳. انصاری در تمجید از رساله نیچریه تعابیر بلند و البته عجیبی را در باره کتاب و نویسنده آن به کار می‌برد و سید جمال را حکیمی دانشمند و سلیم الذوق، وحید خردمند، فخرالحکماء المعاصرین، فاضل یگانه و عالم فرزانه و کتابش را کتاب مقدس می‌شمارد. وی اظهار کرده است که کتاب را شخص سید جمال با پست از هندوستان برایش فرستاده است (اسدآبادی، ص ۲-۴). از اینجا می‌توان حدس زد که انصاری کاشانی با نظریه تکامل داروین موافق نبوده است. و بنا بر این برخلاف آنچه بعضی ادعا کرده‌اند، نمی‌توان مطمئن بود که در کتاب جانورنامه ذکری از نظریه تکامل آمده باشد. زیرا آن را مخالف دین و باعث فساد اخلاق می‌دانسته است. بنا بر این نمی‌توان او را مدافع نظریه تکامل داروین دانست.

می‌گوید و از منظری تاریخی این سیر را از یونان باستان تا عصر جدید بررسی می‌کند و داروین را به عنوان سید این طایفه به نقد می‌کشد (اسدآبادی، ص ۱۱).

پس از نیچریه، در سال ۱۲۹۹ ق کتابی با نام آیات بینات به قلم مجتهدی شیعی، آیت‌الله سید محمد حسین شهرستانی نوشته و در لاهور چاپ سنگی می‌شود.^۱ در این رساله نامی از داروین برده نشده و به اصول نظریات تکاملی هم اشاره نمی‌شود، بلکه شهرستانی تنها به نقد دیدگاه‌های «نیچری» (= ماده‌انگار) می‌پردازد و برای ارشاد آنها و پیروانشان به دین اسلام، وجود خالق و لزوم ارسال پیامبران و وجود معجزات و غیره اثبات شده اند. البته گفتنی است با اینکه نامی از داروین در این رساله برده نشده، اما چون در فضای فکری آن روزگار، نظریات داروین با دیدگاه‌های ماده‌انگارانه یکسان پنداشته می‌شد، برخی بر این باورند که آن رساله در حقیقت پاسخی به داروین و نظریات او است.^۲

با عبور از این سال‌ها، به دیدگاه‌های پراکنده میرزا عبدالحسین خان معروف به میرزا آقاخان کرمانی می‌رسیم که به شکلی پراکنده در چند رساله خود به داروین و اندیشه‌های تکاملی اشاره کرده است. رسالات او عمدتاً تا قبل از سال ۱۳۱۴ ق که در تبریز کشته شد و در سال‌های فعالیت مطبوعاتی‌اش در روزنامه اختر چاپ اسلامبول (= استانبول)، منتشر می‌شده‌اند (آدمیت، ص ۸۹-۹۸).

در ادامه به سال ۱۳۳۱ ق کتابی مفصل در دو جلد به زبان عربی در بغداد منتشر شد. آیت‌الله شیخ محمد رضا نجفی اصفهانی عالم شیعی ساکن کربلا و ایران بود که مفصل‌ترین نقد تاریخ تشیع را بر نظریه داروین نوشته است. این کتاب که تنها یک بار و آن هم به شکلی مغلوط منتشر شده بود، با تصحیح دوباره در سال‌های اخیر چاپ شده است (نک: منابع، نجفی اصفهانی). علاوه بر این، ترجمه قدیمی آن نیز اکنون دستیاب است. تأثیر این کتاب حوالی سال‌های انتهایی دهه بیست و اوائل دهه سی شمسی در منابع فارسی زبان قابل ردیابی است (برای نمونه نک: حائری مازندرانی، ص ۱۸۰).

۱. کتاب با مشخصات زیر در سال‌های اخیر دوباره منتشر شده است:

شهرستانی، محمد حسین. (۱۳۹۶ ش). آیات بینات: رساله‌ای در رد دهریون، نیچریان و دیگر پیروان نظریه‌های تکامل طبیعی. پیشگفتار و ویرایش کامران امیرارجمند. تهران: نشر ثالث.

۲. جناب آقای دکتر کامران امیرارجمند، در یادداشتی که برایم مرقوم فرموده‌اند، بر این باورند.

گزارشی از نسخه‌ای در رد نظریات مادی‌گرایانه داروین... / ۹۹

در سال ۱۳۳۳ ق/ ۱۲۹۱ ش علی اکبر حائری‌زاده هزارجریبی کتابی با نام فلسفه الانسان نوشت و به صورت چاپی منتشر کرد. این کتاب نسبتاً مفصل بر نوعی نگاه فلسفی استوار است، و در مباحث تکاملی، البته با قدری تفاوت، به نگاه اسدآبادی نزدیک می‌شود.

رساله تنقید مقاله دارونیستها که در سال ۱۳۳۸ ق در تهران به شکل سربی منتشر شد، به قلم سید اسدالله مجتهد خارقانی^۱، روحانی سیاسی و مشروطه‌خواه دوره قاجاریه و پهلوی اول است. او در این کتابچه کوشیده است تا با دلایلی که عمدتاً از منابع فرانسه زبان آورده، نظریات تکاملی را در باره انسان مردود و فاقد پشتوانه دقیق علمی معرفی کند.^۲

در سال ۱۳۴۲ ق. کتاب داروین و حکمای مشرق زمین یا سردارنامه به قلم میرزا عنایت‌الله دستغیب شیرازی در اثبات این موضوع که آراء داروین پیش‌تر در کتاب‌های دانشمندان و فیلسوفان مسلمان از قبیل مسکویه، ملاصدرا، ملای رومی و ملا هادی سبزواری و... آمده است، منتشر شد.

مهدی نجفی اصفهانی هم در سال ۱۳۴۸ ق رساله‌ای با عنوان کتاب المرتفق می‌نویسد که در چهارده فصل در اصفهان منتشر شد. او در کتابش در شکل گفت و گو محور میان رفیق و شفیق به رد فلسفه داروین که آن را «فلسفه منحوسه و مشومه» (ص ۹۹) می‌شمارد، پرداخته و اصول چهارگانه «بوشنری»^۳ را نقد کرده است.

در سال‌های پس از ۱۳۰۰ شمسی، اولین گزارش‌ها شامل مقالاتی است که در مجلات احزاب سیاسی آمده است. از جمله این مجلات که احتمالاً نخستین گزارش را از نظریه تکامل و افکار داروین بازتاب داده، مجله فرهنگ است که از سال ۱۲۹۸ ش

۱. بر روی جلد کتاب به همین «خارقانی» شکل آمده است. برای آشنایی با اندیشه‌های خرقانی نک: جعفریان، سید اسدالله خرقانی روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه.

۲. برای مقایسه میان رویکرد اصفهانی و خرقانی نک: هاشمی، ص ۴۴-۴۹.

۳. پس از انتشار کتاب بوشنر - که با ترجمه شبلی شمیل به عربی صورت گرفت - و ایجاد موج مخالفت‌ها با کتاب و اندیشه‌های او، در واقع داروین بیش از همه مورد اصابت قرار گرفت؛ زیرا بوشنر اهداف مادی‌گرایانه‌اش را پشت نظریه داروین پنهان کرده بود. بنا بر این، در بیشتر کتاب‌هایی که در نقد نظریه داروین در جهان اسلام و مسیحیت نوشته شده‌اند، و از جمله کتاب‌هایی که نام برده شد، در حقیقت نویسنده نقد نظریه بوشنر را در دستور کار داشته است، نه داروین را. پس بهتر است این چهار یا در مواقعی پنج اصل را در واقع اصول بوشنر بدانیم.

با سردبیری تقی رائقی در رشت منتشر می‌شده است و در شماره سوم خود در خرداد ۱۳۰۴ ش. مقاله‌ای را با عنوان «تکامل چیست؟» آورده و در آن واژه «تکامل» را احتمالاً برای بار نخست در زبان فارسی استفاده کرده است^۱ و آن را معادل اوولوسیون و این دو را مترادف ترانسفورمیسم و داروینیسم گرفته است و توضیحات تاریخی با اهمیتی از سیر اندیشه تکاملی به دست داده است.

اندیشه دور و دراز^۲ نام اثری است که محمد علی فروغی (ذکاء الملک) آن را در سال ۱۳۰۶ ش در استانبول برای تفتن و گذران اوقات نوشته و همان‌جا منتشر کرده است. فروغی در این رساله کوچک رسماً نظریه نشو و ارتقا را پذیرفته است و توضیحاتی عامه فهم از آن در قالب گفت‌وگویی داستانی ارائه می‌دهد. گفتنی است فروغی در سال‌های انتهایی دهه بیست شمسی هم در جلد سوم کتاب سیر حکمت در اروپا فصلی را به اندیشه‌های داروین اختصاص داده است.

سیر مقاله‌نویسی را در میان مجلات فارسی‌زبان می‌توان در مقاله‌ای مفصل به بحث گذاشت، اما اگر بخواهم به اجمال نکته‌ای بیفزایم، باید بگویم که اغلب مقالات منتشر شده در مجلات تا حوالی دهه بیست و سی شمسی از عمق و دقت کافی برخوردار نبوده‌اند. البته در این میان استثنائاتی هم دیده می‌شود، که از آن جمله می‌توان به سلسله مقالات داروین و عقاید او به قلم دکتر حسین گل‌گلاب اشاره کرد که در سال‌های ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵ شمسی در ماهنامه مهر منتشر شده است. رویکرد ایشان با توجه به پیشینه دانشگاهی و علمی و ادبی‌شان و اهتمام ویژه به امر ترویج علم، مجموعاً دلایلی است که، می‌توان با تکیه بر آنها ادعا کرد که درست‌ترین روایت از نظریه داروین، مبتنی

۱. در باره پیشینه واژه تکامل و چگونگی وارد شدنش در زبان فارسی به اسناد جدیدی دست یافته‌ام که به‌زودی در قالب نوشتار مستقلی منتشر خواهم کرد.

۲. متن رساله در ایران در مجموعه «مقالات فروغی» نقل شده است (مقالات فروغی، ص ۲۶-۶۰)؛ همچنین متن کامل رساله در این کتاب نیز در دسترس است: حق‌دار، علی‌اصغر. (۱۳۸۴ ش). محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی. تهران: انتشارات کویر. ص ۱۰۳-۱۴۰.

۳. نصرالله امیر انتظام، فروغی را در پاییز ۱۹۲۸ م (۱۳۰۷ ش) در ژنو می‌بیند؛ زمانی که ایران به‌تازگی در جامعه ملل پذیرفته شد و به فروغی در حالی که عهده‌دار سفارت کبرای ایران در ترکیه بود، نمایندگی شورا سپرده شد. در همین دیدار، فروغی نسخه‌ای از اندیشه دور و دراز را به انتظام می‌دهد و می‌گوید کتاب را وقتی در اسلامبول منتظر دستور از دولت بودم و نمی‌رسید برای گذراندن وقت نوشتم (نک: انتظام، خاطرات).

گزارشی از نسخه‌ای در رد نظریات مادی‌گرایانه داروین... / ۱۰۱

بر متون علمی و نه روایت‌های سیاسی یا ایدئولوژیک، متعلق به دانشگاهیان و از جمله حسین گل‌گلاب بوده است.

در سال ۱۳۱۶ش کتابی با نام فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه به قلم میرزا ابوالحسن شعرانی طهرانی چاپ شد که ضمن بررسی تاریخ فلسفه در غرب و تطبیق مفاهیم فیلسوفان غربی با مفاهیم فلسفه اسلامی، دو صفحه را به بیان دیدگاه‌های داروین در باره نشو و ارتقای جانوران و انسان اختصاص می‌دهد و در آن دیدگاه‌های تکاملی را نقد می‌کند. این رساله آن چنان که گفته شده ترجمه‌ای از دانشنامه‌ای فرانسه‌زبان با نام لارا^۱ است (شعرانی طهرانی، ص ۵).

در نهایت، در سال ۱۳۱۸ش پنج فصل از کتاب داروین با نام بنیاد انواع بوسیله انتخاب طبیعی یا تنازع بقا در عالم طبیعت در تهران با ترجمه عباس شوقی منتشر می‌شود؛ ترجمه‌ای از روی منابع عربی و نه چندان دقیق و کامل و خوانا (معصومی، سراسر مقاله). شوقی پس از آن کتابی هم در تاریخ فلسفه اسلامی^۲ ترجمه کرده است.

گزارشی از نسخه‌ای نویافته

کتاب دو جلدی و مفصل مرآت العقل نسخه‌ای دست‌نویس به خط نسخ فارسی و با حواشی توضیحی به خط شکسته نستعلیق - احتمالاً به خط مؤلف - است که تاریخ پایان کتابت آن ۱۳۳۰ق درج شده است. این تک نسخه در کتابخانه شخصی مرحوم آیت‌الله سید محمد رضا طبسی حائری که شاگرد و وصی ایشان بوده‌اند در قم نگهداری می‌شود؛ و توسط فرزند ایشان در اختیار بنده قرار گرفت.^۳

در باره نویسنده^۴

نویسنده کتاب، آیت‌الله شیخ محمد علی فرزند شیخ محمدحسن همدانی سنقری حائری از علمای ایرانی الاصل ساکن کربلا بوده که در هفتم جمادی الاول ۱۲۹۳ق در کربلا متولد شده است. پدر ایشان نیز از علمای کربلا بوده و در همان‌جا دیده به جهان گشوده‌اند. اما اجدادشان در اصل همدانی بوده‌اند. آن چنان که در شرح احوال خودنوشت ایشان و در تراجم آمده است، مرحوم شیخ محمد علی نخست در محیط خانواده و از

1. Le Pere CH.LAHR, S.J.

۲. دی‌بور، ت. ج. (۱۳۱۹ش). تاریخ فلسفه در اسلام. تهران: چاپخانه خاور.

۳. با تشکر بسیار از ایشان.

۴. بیشتر فرازهای این بخش برگرفته از این منبع است: عباسی و قنبریان، ص ۲۳۵-۲۶۷.

پدر بزرگوارشان قرآن و تجوید را آموختند و سپس به مکتب رفتند. بعد از آن، دروس مقدمات، سطح و خارج فقه را در حوزه علمیة کربلا و نجف و زیر نظر استادان مشهور عصر خود گذراندند. نکته جالب این است که یکی از استادان ایشان در دوره مقدماتی، آیت الله سید محمدحسین شهرستانی (متوفی ۱۳۱۵ق) صاحب کتاب آیات بینات بوده است. همچنین ایشان از محضر استادانی مانند شیخ محمد صادق ارومی ملقب به فخرالاسلام^۱ زبان عبری و سریانی آموختند.

ایشان برای تکمیل دروس و استفاده از سایر استادان، به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کردند. در این مدت دو مرتبه به ایران آمدند و حسب الامر استادانشان برای ترویج امور دینی در ایران ماندند. در نهایت پس از بازگشت به کربلا گوشه نشینی اختیار کردند و به تألیف و استنساخ کتاب پرداختند. نتیجه این کوشش شبانروزی بیش از بیست عنوان کتاب در زمینه های مختلف فقهی، حدیثی، کلامی و تفسیری است که برخی از آنها منتشر شده و بسیاری نیز همچنان مخطوط باقی مانده است. سرانجام ایشان در ششم محرم الحرام ۱۳۷۸ق در سن ۸۷ سالگی بدرود جهان گفتند و در صحن حضرت عباس به خاک سپرده شدند. در باره کتاب مرآت العقل در برخی از کتاب های تراجم و کتابشناسی ها، توضیحی با این مضمون آمده است:

کتاب مرآت العقل کتاب مفصلی در علم کلام جدید است در دو جلد. جلد اول شامل دیباچه و در سبب تحریر این رساله و سه مقاله به این شرح: الف) اثبات صانع؛ ب) مقالات طبیعیین و مادیین و جواب تناقضات آنان؛ ج) ابطال نوامیس اربع. جلد دوم در اصول دین شامل پنج اصل توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد با استفاده از آیات و روایات و اقوال کلامیون (آقا بزرگ، ج ۱، ص ۵۳؛ حافظیان بابلی، ص ۴۵۷؛ استادی، ص ۱۰۲؛ تنها در منبع اخیر با این نکته اشاره شده است که کتاب در باره فرضیه داورین است).

۱. متولد ۱۲۶۰ق روستای کلیساکندی ارومیه و درگذشته ۱۳۳۰ق در تهران؛ مجتهد، نویسنده و روزنامه نگار ایرانی که در ابتدا کشیشی آشوری اهل ارومیه بود در جوانی به اسلام گروید و پس از ۱۶ سال تحصیل در نجف و اخذ درجه اجتهاد به ایران برگشت. او پس از مذاکره با ناصرالدین شاه در باره علل تغییر آیینش، از طرف شاه به فخرالاسلام ملقب گردید.

گزارشی از جلد اول کتاب

همه آنچه در این مقاله ذکر می‌شود صرفاً گزارشی از جلد اول - حدود ۹۰ صفحه - از کتاب است که در آن بیشتر به تناقضات مادی‌گراها و پاسخ به آنها و نظریه تکامل داروین پرداخته است.^۱ جلد اول نسخه موجود، بر اساس فهرست آن، دیباچه و سه مقاله دارد. در دیباچه، سبب تحریر این رساله و تقریر این مقاله آمده و سپس اجمالی از عقاید «مادیین و نوامیس اربع» آنها ذکر شده است. بعد از دیباچه، سه مقاله با عنوان کلی زیر آمده است: «دلیل قاطع بر عدم صلاحیت ماده مبدئیت عالم را».

مقاله اول «در اینکه هر ذره از ذرات ممکنات و موجودات به لسان فطرت ناطق است به زبان فصیح بر وجود صانع و توحید او و تنزیه آن جناب از هر کثرت»؛ مقاله دوم «شروع در مقالات طبیعیین و مادیین و جواب تناقضات این جماعت»؛ و مقاله سوم «در ابطال نوامیس اربع و صدفه محال است». مؤلف در دیباچه پس از اشاره‌ای کوتاه به نگاه‌های مادی‌گرا و دهری در صفحه ۴ می‌نویسد:

... هیچ عاقلی را تأمل نیست در بطلان این خرافات، و این حقیر در هنگام نوشتن رساله مرآت العقل در اصول دین مبین، وقت را اشرف از آن دیدم از تعرض به مقاله اینان؛ ناگاه از طرف جمعی جداً اشاره شد که مختصری به ابطال این مقالات بنگارم.

و سپس در بیان دیدگاه مادیین چنین می‌افزاید:

... بدانکه این جماعت را در اصل این عالم و تنوعات آن از علویات و سفلیات، جمادات، نباتات، حیوانات و بشر، مذاهب مختلفه است و آراء متشکته؛ چنانچه هر یک تکذیب دیگری نماید؛ ولی آنچه امروز زیر آن اتفاق دارند این است که، اصل عالم را تفاعل ماده و قوه دانند... و گویند این ماده به خودی خود حرکت کرد و از آن حرکت، اجرام سماویه پیدا شد و بعد از آن اجرام ارضیه [؟] از اجسام معادن و نباتات و حیوان به سبب آن پیدا گردید؛ و گویند نه ادراک و

۱. بر مبنای دریافتی که از بیانات ایشان داشته‌ام، گمان می‌کنم ایشان نیز مانند بیشتر اندیشمندان مسلمان یا مسیحی، نظریه داروین و نظریات مادی‌گرایانه برآمده از آن را یکسان پنداشته‌اند. چرا که مرز روشنی میان این دو در کلماتشان دیده نمی‌شود. این موضوع دلایل فراوان اجتماعی و سیاسی و آموزشی دارد که در محل خود قابل ارزیابی است. اما نکته مهم این است که نظریه داروین به شکل موضوعی فلسفی-کلامی و سیاسی وارد دنیای اسلام شد و ظرفیت آموزشی جهان مسلمانان در آن عصر پذیرای ابعاد زیست‌شناختی آن نبود.

نه اراده و نه شعوری در تکوین اشیاء ندارد، بلکه خلقت ترکیبیه همه این مرکبات و عجائب و غرائب مکنونات به صدفه و اتفاق شده و می شود (ص ۴-۵).

سپس زیر عنوان «مُلَخَّص خرافات مادیین» می نویسد:

... اینها در تفاعل اجزاء به چهار ناموس^۱ قائل اند؛ اول، ناموس تباین، یعنی هر فردی از افراد ماده سدیمی [= ابرمانند، مه آلود] با یکدیگر مشابهت تامه ندارد؛^۲ دویم، ناموس انتقال از اصل به فرع و مباین دیگر، از افراد قوی و ضعیف در ظرفهای مناسب و غیرمناسب؛ سیم، ناموس تنازع بقا، یعنی افراد با یکدیگر در فنا و بقا، تنازع نمایند تا قوی بماند و ضعیف برود یا صاحب ظرف مناسب بماند و غیرمناسب برود؛ چهارم، ناموس انتخاب طبیعی، یعنی طبیعت حفظ کند آنچه را که بهتر و کاملتر است (ص ۵).

در باره انسان نیز چنین آورده است:

... و گویند انسان نیست مگر حیوانی که به ناموس انتخاب طبیعی ترقی کرده تا بر میمون غالب شد و دارای ادراک شد و گرنه اصل او میمون بود (ص ۶).

و در نقد آن می نویسد:

... یاللعجب! نمی دانم این ماده بی شعور که اصل انسان بود به چه سبب صاحب این ادراک شد، و قوه عاقله او از کجا آمد و این گوهر گرانبهای عقل از کدام مدرسه تحصیل کرد. وانگهی، انسان که به ناموس انتقال از اصل به فرع یا آنکه به انتخاب طبیعی، تکوین او از میمون شده، آیا دمش کی بریده شد؟ پشم و پیله او کی و کجا ریخت؟ یا آنکه میمون تربیت شده که سالها در کنار بشر است چرا ترقی نمی کند؟ (همان جا)

در ادامه بدون بردن نام سید جمال الدین اسدآبادی به فرازی از کتابش استشهداد می کند:

... خوش گفت حکیمی که بیچاره دارون و اتباع او در این مقالات غافل اند که چندین هزار سال است که عربها و عبریها ختنه می کنند، با وجود اینها یکی

۱. بر پایه دیدگاه بوشنر که در بیشتر آثار عربی و فارسی منعکس شده است، نظریه داروین بر چهار محور استوار است. این چهار محور در خیلی از کتابهای قدیمی دیده می شود. البته ممکن است این چهار قانون با تعبیر گوناگونی آمده باشد، اما همگی به یکدیگر قابل تبدیل اند.

۲. احتمالاً به این معنا است که زاده های هر گونه در عین تشابهات فراوان، در این مشابهت تمام و کامل نیستند بلکه اختلافاتی جزئی در میان است که باعث تمایز میان آنها می شود.

گزارشی از نسخه‌ای در رد نظریات مادی‌گرایانه داروین... / ۱۰۵

از آنها مختون زاییده نشده و چنین که اینها می‌گویند ممکن است بعد از قرن‌ها به تدریج پشه‌ها فیل شوند و فیل‌های جنگل پشه شوند (ص ۶-۷؛ قس: اسدابادی، ص ۱۳).

و در یک کلام خلاصه می‌کند که:

... و بالجمله مُحْصَل کلام این جماعت قول به فاعلیت ماده مَبْهَمَة بسیطة فاقِدة الشعور والارادة و الحركة الاختيارية است که بدون مُحْرک، منتشر در هوا است (ص ۷).

از نظر سنقری حائری، این ادعا به لحاظ منطقی و عقلی و از منظر روش شناختی فاقد پشتوانه و دقت علمی است. بنا بر این ایشان همه کوشش خود را صرف کرد تا تناقض این ادعاها را بنمایاند. از سوی دیگر، چون این ادعا بر اساس نوعی تمایل به تصادف و شانس و خود به خودی تولید شدن از ماده است، ایشان این ادعا را نیز خلاف بداهت و عقل می‌دانند. از نظر مؤلف: «... اگرچه ابطال کلمات این جماعت و عقایدشان از خرافات، جنون و تحصیل حاصل است و لکن لا بُدِّیم از ذکر چند مقاله» (ص ۸). از این مقطع، ایشان وارد مقاله اول می‌شوند: «مقاله اولی در ذکر جمله‌ای از براهین در ابطال مبدئیت ماده و احتیاج اثر به موثر و ممکن به مَرَجِح؛ و اکتفا کنیم در این مقاله به ذکر ده دلیل قاطع». از ده دلیل ذکر شده، در این بخش چند فراز را بهر نمونه می‌آورم:

دلیل دوم؛ شکی نیست که در همه عالم غیر از تفاعل ماده و اجزاء آن، می‌بینیم موجودات دیگر هست؛ مانند عقول و نفوس که ماده صلاحیت مبدئیت آنها را ندارد و لامُحاله چیزی می‌باید مبداء کل باشد که مبدئیت هر دو را صالح باشد (ص ۱۰).

دلیل هشتم؛ مبدا عالم چون غنی بالذات است و اکمل بالذات است، لامحاله احدی و یکتا باشد و ماده به قول شما اجزاء لایتناهی است، پس صلاحیت مبدئیت ندارد (ص ۱۴).

باری، پس از ذکر ده دلیل در صلاحیت نداشتن ماده برای مبدا بودن، نوشته‌اند:

... و چون هر یک از این وجوه باطل گردید، ازلیت ماده نیز باطل شد؛ و ایضاً ازلیت، منافی حرکت و سکون است، زیرا که هر یک مسبوق است به دیگری (ص ۱۶).

روش خاص مؤلف آن است که پس از ارائه دلایل عقلی و فلسفی می‌کوشد برای ساده‌سازی موضوع و مثال آوردن برای درک بهتر مخاطب، از حکایت و داستان استفاده کند. از این رو در صفحه ۲۰ پس از پایان این بخش از مباحث در ارائه دلایل منطقی، مناظره‌ای را که میان سید مرتضی علم‌الهدی و ابوالعلا معری صورت گرفته و در کتاب‌های شافی و کافی^۱ مذکور است، می‌آورد. چنین روشی، در جای جای کتاب به چشم می‌خورد.

مقاله دوم «در بیان نقل مقالات مادیین و تناقضات آنها است در بیان ازلیت ماده و حرکت و تفاعل اجزاء آنها و بیان ابطال آنها»، از صفحه ۲۹ آغاز شده است. در همین صفحه نوشته شده است:

... تناقضات این جماعت بسیار است، چنانچه تا به امروز عقلاء آنها در بیان حقیقت ماده و جوهر فرد لایتنجزی مبهوت و متحیرند، و اعتراف دارند که حقیقت آن بر ما مجهول است. رجوع کن به کلمات علما و دانایان این جماعت مثل (دیمقراط)^۲ و (لوسیوس)^۳ و (ایقورس)^۴ که هر یک را در بیان ماده به اختلاف سخنانی است متناقض.

در این صفحه از اشخاصی همچون «اولیفر لُدج^۵ انگریزی» [= انگلیسی] رئیس علمای طبیعت، بُخیر، غوستاف لبون (گوستاو لوبون)^۶ هم نام می‌برد و از آنها به عربی گفتارهایی را نقل می‌کند. همچنین در صفحه ۲۶ از یعقوب صرّوف و فارس نمر که مؤسس و گرداننده مجله الْمُقْتَطَف^۷ بودند، نام می‌برد. در ادامه نیز ادله عقلی خود را بیان کرده و درصدد است ازلی و ابدی بودن ماده را نقض کند و حادث بودنش را اثبات؛ و از اینجا استدلال کند که هر حادث محتاج مُحدث است که همان خداوند است.

۱. نام این دو کتاب در حاشیه نسخه آمده است.

۲. دیمقراطیس / دموکریتوس / دموکریت (قرن پنجم و چهارم ق م)

۳. لوسیوس (۳۹۰-۳۰۰ ق م)

۴. اپیکوروس (۳۴۱-۲۷۰ ق م)

5. Oliver lodge 1851-1940

6. Gustave Le Bon (1841-1931)

۷. از جمله مجلات مهم عربی زبان که نخستین گزارش‌های نظریه تکامل در جهان عرب و سپس در زبان فارسی را منعکس ساخت. برای مطالعه بیشتر نک: زیادات.

مقاله سیم از صفحه ۳۶ با موضوع ابطال ازلی بودن ماده و بیان حدوث آن، ادامه ادله نویسنده را دربردارد. در فرازی آمده است:

... پس می‌گوییم ماده و حرکت که هر دو علت تنوعات عالم است، اگر قدیم بودی تمام معلولات نیز می‌بایستی قدیم و ازلی می‌بودی و چون به ضرورت حس و به اعتراف شما در علوم طبیعی و انکشافات طبقات ارضیه، تنوعات را حادث می‌دانید، لامحاله ماده نیز حادث خواهد بود. اگر گویند صحیح است و لکن لازم نیست که تنوعات دفعه واحده موجود شود بلکه حدوث آنها تدریجی خواهد بود به جهت ارتباط علل و معلولات بعضی بر بعضی و تحولات و انتقالات برای حصول استعدادات، ... می‌گوییم لامحاله آن علت آخرین که ماده است، چون موجود بود، می‌بایستی به فوریت همه معلولات از قدیم موجود باشند؛ علت حدوث به تاخیر نشوی به مرور زمان‌ها و قرن‌ها چیست؟ با اینکه شما خود مجاری تنوعات را بر چهار ناموس قرار داده‌اید و وجود هر نوعی را قبل از دیگری محال می‌دانید؛ اگرچه در نزد ما مسلمانان، که وجود اشیاء را به مشیت کامله و اراده صانع و پروردگار مختار می‌دانیم، فرقی نمی‌کند در نزد امر پروردگار و اراده آن جناب، ایجاد نشوی به تولد یا تولد... و اما شماها که ماده را قدیم و بی‌شعور می‌دانید، باید بگویی با وجود ماده قدیمه، سبب تاخیر این معلولات در این میلیون سالها چه بوده است؟ (ص ۳۶-۳۷)

استناد مؤلف به علم جانورشناسی بسیار جالب توجه است:

... و در علم (زیولوژی)^۱ شما خود تکونات را بر نوامیس اربع و ادوار اربعه می‌دانید و گویند در اول، تکوین معدنیات شد؛ و دور دویم، حیوانات بحریه و نباتات شد؛ و در دور سیم، تکوین حیوانات بریه و دور چهارم، تکوین انسان گردید؛ و مابین هر دوری تا دوری، کرور و میلیون‌ها فاصله است. و حاصل آنکه، باید یا انکار کنید این اجماع و ضرورت را بر حدوث تنوعات؛ یا آنکه ثابت کنید برای ماده شعور و اراده و اختیاری را برای فصل بین معلولات و علت ازلی؛ یا آنکه ناچار اقرار کنید به صانع عالم (ص ۳۸).

نکته تاریخی پراهمیتی که در متن اثر منعکس شده است، اعتراضی است که ایشان به مدارس جدید و از جمله به «مدرسه علمی» ابراز می‌کنند. همچنان که در تاریخ دوره قاجار می‌خوانیم، در دوره مظفری با تأسیس انجمن معارف (قاسمی پویا، ص ۲۶۷)

مدارسی با سبک جدید اروپایی با عنوان «مدارس علمیه» (همو، ص ۲۷۰) تشکیل شد که می‌توان گفت این مدارس نخستین دبیرستان‌های ایران بوده‌اند. آیت‌الله سنقری در این باره چنین نوشته است:

... همانا به قاعده نشوء و ارتقا یا قانون انتخاب طبیعی خود را از نسل قرده [=بوزینه] و خرگوش و لاک پشت و کرم‌های زمینی می‌دانید که به مرور زمان از مرتبه پایین تر ترقی کرده به مرتبه انسانیت رسیده‌اند، و به این اعتقادها خدا و پیغمبران را و همچنین حشر و نشر و حساب و عقاب و عذاب و آخرت و جنت و نار را موهومات و موضوعات شمرده‌اند، و آن را علم شمارند و محل تعلیمات این‌گونه عقاید خرافیه را مدرسه علمی نامند؛ خاک بر سر اهل آن عصری که اینها علومشان باشد. عجب نیست، در هر دوره یک مشت از این جهله معارض با دین بوده‌اند تا وقتی که دچار هلاک می‌شدند (ص ۳۹).

در صفحه ۴۱ با عنوان «نتیجه مذکورات» می‌خوانیم:

... چون ثابت شد که ماده حادث است و یکی از ممکنات است که وجود او مساوی و مثل سایر موجودات ممکنه در وجود یافتن، محتاج است به مرجع قادر عالم واجب الوجود ازلی، که ترجیح دهد وجود او را بر عدم او و گرنه لازم آید ترجیح یا بلامرجح و هر دو محال است.

مؤلف از صفحه ۵۱ به بعد به نقد و ابطال «نوامیس اربع» می‌پردازد و هر کدام را با دقت و آوردن ادله عقلی و مثال‌های مختلف، می‌کاود. اصول چهارگانه پیش‌گفته بر مبنای فهرست کتاب عبارت‌اند: «ناموس انتقال از اصل به فرع» [یعنی قانون وراثت]، «ناموس تباین افراد» [تنوع]، «ناموس انتخاب طبیعی» و «ناموس تنازع بقا». بهر نمونه، برای ناموس انتقال از اصل به فرع می‌نویسد:

... بگویند جهت تنوعات مختلفه متطوره و اشکال متغایر و انواع صورت‌های عجیبه با وجود حدوث اصل آنها چیست و در هر جا چرا باید اصل مخالف فرع باشد؟ ... چرا یک مرغ و خروس، تخم‌های آنها مشتمل بر جوجه‌های مختلف و رنگ‌های مختلفه است و دیگری چنین نباشد؟ یا چرا نباید همه به رنگ نر یا به رنگ ماده یا همه یکسان باشند (ص ۵۱-۵۲).

و چون با قوانین وراثت آشنا نیست چنین می‌نویسد:

گزارشی از نسخه‌ای در رد نظریات مادی‌گرایانه داروین... / ۱۰۹

و بالجمله، این مخالفت اصول با فروع در هر جا حجتی است قاطع بر مادیین و اعتراف آنها به صُنع حضرت رب العالمین. عجباً! می‌بینی در تمام بشر دو نفر با هم به صورت مساوی و یکسان نیستند (ص ۵۳).

و در نهایت نتیجه می‌گیرد: «... در مخالفت اصول با فروع ما می‌بینیم از یک دانه و یک طبیعت، طبایع مختلفی متولد می‌گردد» (ص ۶۰). نویسنده مثال‌های گوناگونی از زندگی حیوانات و گیاهان نیز ارائه می‌کند و از شهرها و کشورهای مختلف هم نام می‌برد و سپس در بیان ناموس دوم - ناموس تباین افراد - و نقد آن چنین می‌گوید:

... و از آن جمله است حکم این جماعت بر ناموس تباین افراد که گویند ماده به انتخاب طبیعی و اصطکاکات جواهر فرده احداث تراکیب اولیه نماید، آنگاه هر مُرکبی به حرکت طبیعی به طرف کمال لایق خود ترقی و تصاعد نمایند؛ و حال آنکه، بر فرض اینکه، حرکت اجزاء ماده هم بالطبع باشد، احتیاج او از مؤثر خارجی او رفع نخواهد شد؛ زیرا که همه آن تغییرات و تبدلات ماده شهادت می‌دهد که اصل وجود ماده حادث و بالغیر است، تا چه رسد به تبدلات و تنوعات او (ص ۶۵).

و چند صفحه بعد به ناموس سوم اشاره می‌شود:

... و همچنین باطل است ناموس انتخاب، زیرا که مادیین خود اعتراف دارند که نباتات عجیبه در خلقت، از کثرت نه به حدی است که ضبط آنها توان کرد، یا قانع شد بر آن، چه رسد به اینکه حکم بر آن کنند در بیان انتخاب طبیعت، و همین هم هست؛ کسی که عمرش پنجاه سال یا کمتر یا بیشتر است چگونه تحدید قرنها و سالها توان نماید (ص ۶۷).

نویسنده برای نقد نظریه انتخاب طبیعی مثالی می‌آورد:

... تجربه حکم می‌کند که یکی از مؤثرات در انواع، هوای آن اقلیم و بلاد و اغذیه و تربیت آن مواضع است؛ چنانچه می‌بینیم مثلاً، بلدی را که مردمان آنجا قوی البنیة و عظیم الجثه‌اند، چون به بلدی و اقلیمی دیگر روند که بر خلاف هوای آنجا است، البته به مرور از منه، أعقاب آنها متناسب با هوای آن بلد و مزاج و طبیعت و مردم آنجا گردد، و کوتا و ضعیف و متأثر بر آن وضع گردند و این همه بر خلاف ناموس انتخاب است ... مثلاً اگر به سبب ازدواج بعضی از حیوانات با بعضی صور دیگر، رنگ آنها تغییر کند باز هم به قانون وراثت نوعیه مُتدرجاً به امر پروردگار و تقدیرات جاعل الآثار دوباره به نوع خود برگردد، و

اما حقیقت آنها هرگز مُتبدل نشود؛ نه کبوتر، خروس شود و نه خروس، طاووس خواهد شد؛ و نه میمون انسان و نه انسان میمون گردد و این نقض قاعده انتخاب است (ص ۶۸).

در جلد اول کتاب، چهار مرتبه اسم داروین برده شده است که از آنها یک بار به نقل از رساله نیچریه اسدآبادی، به شکل دارون و سه بار دیگر به صورت داروین نقل شده است؛ این اختلاف در ضبط اسامی نشان می‌دهد که احتمالاً منابع متفاوتی پیش چشم نویسنده بوده و ایشان به این اختلاف توجهی نداشته‌اند. در صفحه ۶۹ دو بار اسم داروین آمده و چنین نوشته است:

... همانا امروز داروین و اتباع او اعتراف دارند بر اینکه محال است تفریق هر نوعی با تنوعات او بدون فهمیدن دو امر مهم که شرط تنوعات‌اند؛ و فهم حقیقت آن دو امر هم ممتنع و محال است. یکی، دانستن مدت و مقدار تغییراتی که در اثناء تحولات واقع شود، که ضبط مقادیر آن محال است؛ و دیگر، فهمیدن آن حقیقت که صورت‌هایی که واسطه و ربط در تحولات است در بین آنها، که آن هم محال است. اگر اتباع داروین انصاف می‌دانند که با این حال به مجرد تربیت کبوتری در چند سال، قطع بر معلوماتشان محال و از ممتنعات است. قرن‌ها کافی نیست فهم یکی از هزارهزار وسایط ربط و تحولات یا سایر نکات این مقام را نمی‌توان فهمید، نه به مظنه و تخمین تا چه رسد به قطع و یقین.

در باره ناموس تنازع برای بقا هم در ادامه می‌نویسد:

... و همچنین باطل است استشهاد این جماعت برای ناموس تنازع بقا، به تغذی حیوانات یکدیگر را، و در بدن صنف عالی آنها صنف سافل را، و حفظ کردن هر یک از صنوف عالیه، صنف خود را با محافظت هر یک بر نفرت از مزاحمت و ناملائمات، و طلب کردن غذای خود را از حیوان و نبات برای بقاء حیات و مکان صالح و مناسب زندگانی خود؛ گویند اینها دلیل انتخاب طبیعی است و حال آنکه می‌بینی به هیچ وجه دلالتی ندارد بر تسلسل انواع. همانا ما به تجربه و حس، عکس آن را می‌بینیم؛ چنانچه مثلاً غالباً صنف دانی بر صنوف عالیه غالب و مسلط‌اند؛ مثلاً انسان اعلی مرتبه صنوف است و همیشه مغلوب

۱. داروین در فصل جدیدی که در ویراست ششم و نهایی از کتاب پیدایش گونه‌ها آورد، کوشید در باره فقدان صورت‌های حد واسط و میانی به عنوان اشکال مطرح شده پاسخ دهد (نک: داروین، ص ۲۱۶ به بعد).

گزارشی از نسخه‌ای در رد نظریات مادی‌گرایانه داروین... / ۱۱۱

حیوانات پست و در فشار مورچه و پشه و مواد میکروسکوپی است (ص ۶۹-۷۰).

و دلیل نقض دیگر این است که:

... از حفرین نقل شده که در اکتشافات خود بر بسیاری از حیوانات پرنده و درنده قوی و عظیم‌الجثه مطلع شده اند که آنها در قرون سالفه بوده و امروز به جز نام و نشانی بیشتر از آنها چیزی به جای نمانده؛ آیا این قاعده و ناموس تنازع چرا معکوس شده، و چرا حفظ صنوف در آنها مراعات نشده و چرا نتیجه تنازع بقا را مهمل گذارده؟

پس از پایان یافتن دیدگاه‌های مؤلف در مورد چهار قانون مطرح شده، در باره خلقت انسان چنین اظهار نظر می‌کند:

... در قرآن مجید اشاره به خلقت انسان، توالدی نموده و فرموده: ﴿إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نَطْفَةٍ﴾^۱؛ و به خلقت تولدی به: ﴿إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ﴾^۲؛ چنانچه در ایجاد دفعی آدم و مسیح: ﴿إِنْ مَثَلْ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾^۳... (ص ۷۴).

مرآت العقل و منطق سنتی

سنقری حائری در استدلالات خود برای رد مادی‌گرایان و اثبات وجود خالق مطلق که صانع عالم حکیم و مدبر است، کاملاً به اصول منطق سنتی عالم معروف قرن هفتم هجری، علی بن عمر کاتبی قزوینی (متوفی ۶۷۵ق) در کتاب الشَّمْسِیَّة پایبند است؛ چرا که این کتاب قرن‌ها در حوزه‌های علمی دینی تدریس و به عنوان یکی از پایه‌های معرفت‌شناسی استفاده می‌شده است. در این روش همه مباحث نظری غیربدیهی باید به مفاهیم کلیه عقلیه ضروریه بدیهی برگردانده شوند تا قابل اثبات باشند. در این باره در صفحه ۹۱ - اواخر جلد اول - نوشته‌اند:

... بلی، چیزی که قابل ادراک است حقیقتاً مفاهیم کلیه عقلیه است که احکام عقلیه کلیه قطعیه بر آنها توان جاری نمود؛ مثل، إمتناع ترجیح بلا مرجح و قُبْح ترجیح بلا مرجح، یا اجتماع و ارتفاع نقیضین، یا اجتماع ضِدِّین با وجود معلول

۱. انسان (دهر)، ۲.

۲. حج، ۵.

۳. آل عمران، ۵۹.

بدون علت... و همچنین امتناع دور و تسلسل که اینها و نظایر احکام اینها منتهی شود به ضرورت و پداهت...

نکات و تأملات

- مرآت العقل بخشی از تاریخ ما است. تاریخی که می‌توان با رجوع به آن نحوه شکل‌گیری برخی مفاهیم و نوع رویارویی با علوم جدید را واکاوی کرد.
- کتاب، در قیاس با آثار دیگر و با توجه به اینکه مؤلف آن زاده و پرورده کربلا بوده، فارسی نسبتاً خوبی دارد و اکنون نیز قابل فهم است؛ مگر در آنجا که به زبان فنی وارد مباحث فلسفی شده که در آن بخش‌ها، مانند سایر علوم، مخاطب محتاج دانستن مقدمات است.
- روش سنقری بر اساس شیوه سنتی ارسطویی، بسیار دقیق و متقن است، و در استدلال‌ات جانب انصاف و پایبندی به روش علم را گرفته است.
- حتماً نمی‌توان ادعا کرد آنچه او از نظریه داروین دانسته کاملاً درست و مطابق با آراء داروین بوده است؛ اما می‌توان گفت او کوشیده است اصول چهارگانه تکامل - که به نام اصول بوشنری شناخته می‌شد - را که بیشتر سؤال‌خیز و شبه‌ناک بوده بیاورد و آنها را نقد کند. ضمن اینکه در آن سال - ۱۳۳۰ق - کتاب داروین به عربی هم ترجمه نشده بوده است، چه رسد به فارسی. بنا بر این با علم به شرایط تاریخی و منابع در دسترس ایشان، باید بگویم کوشش او بسیار ستودنی است.
- پیش‌تر گفتم که دو تن از علمای معروف و از مجتهدان مسلم آن روزگار بر این کتاب تقریظ نوشته‌اند. با دقت در محتوای این یادداشت‌ها می‌توان به مقام علمی و شأن اجتماعی نویسنده کتاب پی برد.
- متأسفانه از آنجا که مؤلف نامی از منابع و کتاب‌هایی که از آنها استفاده کرده، نیاورده است، نمی‌توان به شکل دقیق در باره نحوه استفاده ایشان از آنها اظهار نظر کرد. البته می‌توان حدس زد که منابع ایشان اغلب کتاب‌های عربی بوده‌اند.

سیاسگزاری

آنچه آمد، برای بار نخست در قالب گفتاری در دومین همایش علم در دوره قاجار ایراد گردید؛ از جناب آقای دکتر امیرمحمد گمینی که با لطف همیشگی‌شان برای آن همایش از بنده هم دعوت کردند، ممنونم. بر خود واجب می‌دانم از دوست دانشورم، سیدمحسن طاهری که مرا در تهیه نسخه یاری کرد سیاسگزاری کنم. همچنین از حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌الله عباسی که نسخه‌ای از کتاب را در اختیارم نهاد، فروان ممنونم. از فرزندان حضرت آیت‌الله طیبی حائری که با روی گشاده کتاب را پیش نهادند، تشکر می‌کنم. جناب استاد دکتر کامران امیرارجمند و دوست فرهیخته کرامتدم، جناب محمدمنصور هاشمی، یادداشت‌هایم را با مهر خواندند و نکاتی را گوشزد کردند، از مهربانان تشکر فراوان دارم.

منابع

- آدمیت، فریدون. (۱۳۵۷ش). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی. انتشارات پیام.
- آقا بزرگ طهرانی. (۱۳۶۱ق). الذریعه الی تصانیف الشیعه. بیروت: دارالاضواء.
- استادی، رضا. (بی تا). «چهار صد و هشتاد نسخه خطی کتابخانه مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین طیبی حائری». نور علم، دوره دوم، شماره دوم، ص ۱۰۲.
- اسدآبادی. جمال‌الدین. (۱۲۹۸ق). حقیقت مذهب نیجری و بیان حال نیجریان. بمبئی: [چاپ سنگی].
- انتظام، نصرالله. (۱۳۷۱ش). خاطرات. به کوشش محمدرضا عباسی و بهروز طبرانی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- بوکتر، لودویک. (۱۳۵۴ش). فلسفه نشو و ارتقا یا شرح نظریه داروین در تحول موجودات. مترجم عربی شبلی شمیل، مترجم فارسی علی اصغر حکمت. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بی‌نام. (خرداد ۱۳۰۴ش). «تکامل چیست؟» فرهنگ، سال دوم، شماره سوم، ص ۸۱.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۲ش). سید اسدالله خرقانی روحانی نوگرای روزگار مشروطه و رضاشاه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حائری مازندرانی، محمدصالح. (۱۳۳۵ش). حکمت بوعلی سینا. به تصحیح و اهتمام حسن فضائلی (شیوا). تهران: شرکت سهامی چاپ.
- حائری زاده هزارجریبی، علی اکبر. (۱۳۳۳ق). فلسفه الانسان. به تصحیح یحیی بن محمد ابراهیم شیرازی. طهران.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل. (۱۳۸۳ش). فهرست نسخ خطی کتابخانه طیبی حائری. قم، تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، الجواد.

حسینی حائری، محمدحسین. (۱۳۹۶ش). آیات بینات: رساله‌ای در رد دهریون، نیچریان و دیگر پیروان نظریه‌های تکامل طبیعی. پیشگفتار و ویرایش کامران امیرارجمند. تهران: نشر ثالث. حقدار، علی اصغر. (۱۳۸۴ش). محمدعلی فروغی و ساختارهای نوین مدنی. تهران: کویر. خارقانی، سید اسدالله. (۱۳۳۸ق). رساله تنقید مقاله دارونست‌ها، طهران: مطبعة فرهنگ-وطن. داروین، چارلز. (۱۳۵۷ش). منشاء انواع. ترجمه نورالدین فرهیخته. تهران: انتشارات شبگیر. دستغیب، میرزا عنایت‌الله (۱۳۴۲ق). رساله داروین و حکمای مشرق زمین یا سردارنامه. [چاپ سنگی].

رجایی، عبدالمهدی. (بهار ۱۳۸۰ش). «معرفی، نقد و بررسی روزنامه فرهنگ اصفهان». رسانه، سال دوازدهم، شماره اول، ص ۶۹-۱۱۱.

زیادات، عادل. (۱۳۹۶ش). مواجهه با داروین؛ نخستین برخوردها با نظریه تکامل در شرق مسیحی و اسلامی. ترجمه و پژوهش امیرمحمد گمینی. تهران: نشر کرگدن.

شعرانی طهرانی، ابوالحسن. (۱۳۱۶ش). فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه، مشتمل بر مهم‌ترین اقوال فلاسفه اروپا در الهیات و تجرد نفس و تطبیق اصطلاحات. تهران: کتابخانه و چاپخانه دانش. شمیل، شبلی. (۱۸۸۴م). تعریب لشرح بخنرعلی مذهب داروین فی انتقال الأنواع و ظهور العالم العضوی و اطلاق ذلك علی الإنسان. طبع فی مطبعة جريدة المحروسة بالإسکندریة.

عباسی، روح‌الله و قنبریان، علی. (زمستان ۱۳۹۵ش). «زندگی‌نامه علمی و آثار آیت‌الله محمدعلی سنقری حائری». فصلنامه نقد کتاب (فقه و حقوق)، سال دوم، شماره ۸، ص ۲۳۵-۲۶۷.

فروغی، محمدعلی. (۱۳۰۶ش). اندیشه دور و دراز. جزء اول. استانبول: آمدی مطبعه‌سی.

_____ . (۱۳۳۳ش). سیر حکمت در اروپا. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.

قاسمی پویا، اقبال. (۱۳۷۷ش). مدارس جدید در دوره قاجاریه، بنیان و پیشروان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

معصومی، محمد. (پاییز و زمستان ۱۳۹۴ش). «داروین ما و داروین آنها». تاریخ علم، دوره ۱۳، شماره ۲، ص ۲۳۷-۲۵۰.

نجفی اصفهانی، محمدرضا. (۱۳۸۹ش). نقد فلسفه دارون. تحقیق از حامد ناجی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

_____ . (۱۳۹۳ش). نقد فلسفه داروین. ترجمه مجدالدین نجفی (مجدالعلما) و حسن صافی اصفهانی. تصحیح و تعلیق و تکمیل علی زاهد پور. قم: نشر صاحب الامر.

هاشمی، محمد منصور. (مهر و آبان ۱۳۹۰ش). «یک مسأله، دو رویکرد». آینه پژوهش، شماره ۱۳، ص ۴۴-۴۹.

یغمایی، حبیب. (۱۳۵۲ش). مقالات فروغی. تهران: نشر یغما.